

شناسایی و رتبه بندی موانع اقتصادی سرمایه گذاری در تولید کالاهای

اساسی کشاورزی

محمد عندلیب^{۱*} و مهدی صادقی شاهدانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲

چکیده

از مهم‌ترین گروه کالاهای موجود در تامین امنیت غذایی، کالاهای اساسی کشاورزی می‌باشند. در سال‌های اخیر در برخی از اقلام این کالاها، کشور شاهد نارسایی‌ها و بالا رفتن قیمت‌ها و واردات بیش از حد بوده که عمده دلایل آن به دلیل ضعف در تولید این محصولات می‌باشد. یکی از ارکان اصلی در شکل‌گیری تولید کالاهای اساسی کشاورزی بحث سرمایه‌گذاری است. لذا، در راستای تقویت این امر نیاز به شناخت موانع سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی بوده تا با رفع آن‌ها، زمینه مناسب برای سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی و خودکفایی در این حوزه و عدم وابستگی به کشورهای بیگانه فراهم آید. این مقاله در پاسخ به این نیاز، ضمن شناسایی موانع گوناگون اقتصادی موثر بر سرمایه‌گذاری کالاهای اساسی کشاورزی، با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و از راه پیمایش به اولویت‌بندی و وزن‌دهی این موانع می‌پردازد؛ داده‌های مورد نیاز به کمک پرسش‌نامه مقایسات زوجی، به وسیله کارشناسان خبره این حوزه تهیه و با استفاده از نرم افزار اکسپرت چویس مراحل محاسباتی انجام شد. نتایج مطالعه حاکی از آن است که «بی‌ثباتی و ناموزون بودن سیاست‌های واردات و بازرگانی»، «ضعف عملکرد نظام بانکی جهت تأمین مالی» و «مشخص نبودن استراتژی حمایت از کالاهای سرمایه‌ای کشاورزی» به ترتیب با ضرایب اهمیت ۰/۰۷۴ و ۰/۰۶۶ و ۰/۰۶۳ مهم‌ترین موانع اقتصادی سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی هستند که اصلاح این امور نیازمند هم‌راستا نمودن سیاست‌های بازرگانی در حوزه کالاهای اساسی، ارائه تسهیلات با نرخ سود مناسب از سوی بانک‌ها جهت تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری و طراحی استراتژی مدون و مشخص حمایت از کالاهای سرمایه‌ای کشاورزی است.

طبقه بندی JEL: Q13, Q16, G11, E2, H54

واژه‌های کلیدی: کالاهای اساسی کشاورزی، سرمایه‌گذاری، موانع اقتصادی، تحلیل سلسله مراتبی.

^۱ - دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران.

^۲ - استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران.

*- نویسنده مسئول مقاله: Andalib@isu.ac.ir

پیش‌گفتار

کالاهای اساسی در عرف هر جامعه به سببی از کالاهای مصرفی گفته می‌شود که نیازهای معیشتی و ضروری افراد آن جامعه را تأمین می‌کند. با این حال، می‌توان دایره مفهومی این واژه را تا آن‌جا گسترده کرد که شامل کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای نیز بشود. در این صورت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در صورتی ضروری می‌شوند که منجر به تولید محصولات نهایی ضروری گردند. هرچند تعریف «ضرورت» با کمی دشواری مواجه است، اما به گونه شهودی و تجربی می‌توان دانست محصولات ضروری محصولاتی هستند که نبودنشان، جامعه و افراد آن با چالش‌ها و مخاطرات جدی نظیر مرگ، بیماری، فقر و گرسنگی و یا نا اطمینانی‌های روانی روبه‌رو خواهد کرد. چنین مخاطراتی دشمن را بر آن می‌دارد که از راه تهدید و یا تحریم‌های متعدد مبادی تأمین این کالاها را تحت تأثیر قرار داده و بین مردم نوعی نارضایتی ایجاد کند.

چنین شرایطی باعث خواهد شد اختلاف بین مردم و حاکمیت زیاد شده و مردم احساس کنند مسئولان مربوطه نمی‌توانند به نیازهای اساسی آن‌ها پاسخی شایسته دهند. شکاف بین مردم و حاکمیت زمینه را برای دخالت و در نهایت، تسلط دشمن ایجاد می‌کند و از همین رو برای پیشگیری لازم زمینه لازم برای تولید این کالاها در جامعه پدید آید.

مبحث تأمین نیازهای اساسی با پذیرش این موضوع آغاز می‌شود که هدف توسعه، مهیا کردن فرصت‌های لازم برای یک زندگی کامل است و تأمین نیازهای اساسی، شرط ضروری تحقق چنین فرصت‌هایی است. این نیازها در چهار گروه تقسیم‌بندی شده‌اند (هانت، ۱۳۷۶: ۱۴۵):

- ۱) کم‌ترین نیازهای مصرفی خانواده: غذا، پوشاک، مسکن.
- ۲) برخورداری از خدمات اساسی: آب آشامیدنی سالم، بهداشت، حمل و نقل، سلامتی و آموزش و پرورش.
- ۳) دسترسی به شغلی با درآمد کافی برای همه افرادی که تمایل به اشتغال دارند. (انتخاب آزادانه شغل).
- ۴) تأمین نیازهای کیفی: محیط سالم و دلپذیر، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها.

بر اساس گفته کارل مارکس^۱ در اقتصاد، کالا یا کامادیتی^۲ به هر چیزی که لازم و مورد نیاز و دارای فایده برای زندگی بشری و انسان است و برای برطرف کردن خواست‌ها و نیازهای بشر به کار می‌رود گفته می‌شود (Karl Marx, 1989). کالاها از منظر اقتصادی به کالاهای سرمایه‌ای^۳،

^۱ - KARL MARX

^۲ - Commodity

^۳ - Capital Goods

مصرفی^۱ و واسطه‌ای^۲ تقسیم می‌شود. کالای سرمایه‌ای به کالاهایی گفته می‌شود که به گونه مستقیم برای تولید کالاها یا خدمات بکار گرفته می‌شوند. این کالاها ضمن بادوام بودن، بهره‌وری دیگر عوامل تولید را افزایش داده و ایجاد ارزش افزوده می‌کنند (مردان سعید، ۱۳۷۰: ۶۲۹). با توجه به تعریف بالا آنچه مسلم است، آن است که زمین، پول، اوراق قرضه و نظایر آن جزو کالاهای سرمایه‌ای بشمار نمی‌روند.

با توجه به تعاریف و تقسیم‌بندی بالا بررسی خواهد شد که کالاهای اساسی یا ضروری^۳ در کدام یک از گروه‌های بالا قرار می‌گیرد. لذا، ابتدا به تعریف کالای اساسی پرداخته می‌شود:

کالای نرمال به کالایی گفته می‌شود که با افزایش درآمد تقاضا برای آن افزایش می‌یابد؛ به بیان دیگر، با درآمد رابطه مستقیم دارد. کالاهای اساسی نیز که با افزایش درآمد تقاضا برای آن زیاد می‌شود، ولی نه به اندازه افزایش درآمد، نوعی از کالاهای نرمال بشمار می‌رود. در تعریفی دیگر، کالای ضروری به کالایی گفته می‌شود که برای زنده ماندن و سلامتی مصرف کننده لازم و حیاتی باشد. برخی از انواع کالاهای اساسی در فرآیند عملیات تجاری تولید می‌شود که عبارتند از: غذا، آب، گازوئیل و انواع سوخت که برای گرم کردن ساختمان مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۴ بدین ترتیب کالاهای اساسی بیش‌تر در گروه کالاهای مصرفی قرار می‌گیرند.

تعریفی که در این پژوهش از کالای اساسی ارائه می‌شود، عبارتست از: «کالایی که در سبد مصرفی غالب خانوارهای ایرانی وجود دارد و کمبود و عدم تولید آن در داخل باعث بوجود آمدن اختلال در شرایط اقتصادی کشور می‌شود»؛ به این ترتیب، مبنای این پژوهش کالاهایی هستند که ممکن است از لحاظ اقتصادی ضروری به حساب نیایند، ولی متناسب با شرایط ایران، کمبود این کالاها اختلال در نظام اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

کالاهایی مانند سوخت و مواد دارویی نیز جز کالاهای اساسی هستند، ولی در این پژوهش آن گروه از کالاهای اساسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که اغلب مربوط به بخش کشاورزی است و کشور در تامین آن‌ها با مشکل مواجه بوده و جز اولویت‌های اول وارداتی کشور بشمار می‌رود. کالاهای مورد بررسی، براساس اعلام دولت و با توجه به اولویت‌های وارداتی در پیوست پژوهش معرفی می‌شوند. در این مقاله برای مشخص کردن اهمیت هر یک از موانع اقتصادی سرمایه گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی استفاده شد. فرآیند تحلیل

^۱-Consumption Goods

^۲-Intermediate Goods

^۳-Essential Goods

^۴- دیکشنری آنلاین: <http://www.businessdictionary.com/definition/essential-good.html>

سلسله مراتبی (AHP) روشی برای وزن دهی به عوامل تاثیرگذار بر یک متغیر و یا مولفه‌های تشکیل دهنده یک مفهوم است.

پیشینه پژوهش

معمار زاده طهران و امینی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و اولویت بندی موانع سرمایه گذاری خارجی در ایران» به بررسی موانع سرمایه گذاری خارجی در ایران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که عوامل اقتصادی، عوامل حمایتی، عوامل ساختاری و عوامل قانون و مقررات به ترتیب در رتبه‌های نخست تا چهارم موانع سرمایه گذاری قرار می‌گیرند. تقوی و محمدی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر زیرساخت های سرمایه گذاری بر رشد اقتصاد ایران» به نقش و اهمیت سرمایه گذاری در فرایند رشد و توسعه اقتصادی جوامع پرداخته است.

فاضل (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به موضوع کالاهای حساس، خاص و استراتژیک در ایران» به شناسایی کالاهای خاص و حساس در ایران براساس ملاک‌های گوناگون بکارگرفته شده در دیگر مقالات پرداخته و نسبت به آن‌ها تخمین اولیه‌ای در مورد ایران صورت داده است. آرمان (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع تولید با تاکید بر بازار سرمایه، سرمایه گذاری خارجی و سهم سرمایه گذاری در GDP» به بررسی موانع تولید در ایران پرداخته است. صامتی و پوریبتا (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع سرمایه گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران» نشان می‌دهد که تورم و ارزش افزوده مهمترین عوامل تأثیر گذار بر سرمایه گذاری خصوصی است.

شاکری و موسوی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل موثر بر سرمایه گذاری خصوصی و دولتی در بخش کشاورزی» نشان داده شده است که ارزش افزوده بخش کشاورزی در دراز مدت بر سرمایه گذاری خصوصی در بخش کشاورزی تأثیری ندارد.

هژبر کیانی و علیزاده جانویسلو (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل موثر بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی ایران با استفاده از روش کمترین مربعات غیر خطی» با استفاده از روش حداقل مربعات غیر خطی نشان داده است که موجودی سرمایه دولت و اعتبارات اعطایی بانک کشاورزی مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش کشاورزی است.

دایبولد (۲۰۱۱) در مقاله‌ای به بررسی نیازهای اساسی در کشورهای در حال توسعه پرداخته است و چگونگی توزیع این کالا را در چند کشور نمونه بررسی می‌کند.

ریکاردسون و آکاریا (۲۰۰۹) در پژوهشی به لزوم حمایت و تضمین از سوی دولت در صورت سرمایه‌گذاری در امر نیازهای اساسی پرداخته‌اند و اثبات کرده‌اند که در سرمایه‌گذاری باید ریسک سیستمی و ریسک فردی لحاظ گردد.

ویچ (۲۰۰۹) در پژوهشی پیرامون کالاهای اساسی، به بررسی تحلیل هزینه-فایده در مورد این کالاها پرداخته است و ضمن بیان اهمیت نیازهای اساسی، بر نقش اساسی دولت در این زمینه برای تامین این کالاها تاکید می‌کند.

عمده پژوهش‌های صورت گرفته به بررسی موانع و عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری چه داخلی و چه خارجی در کل اقتصاد ایران و بخش کشاورزی پرداخته‌اند و از تمرکز بر عوامل اقتصادی موثر بر سرمایه‌گذاری از یک سو و توجه به کالاهای اساسی این حوزه، غفلت کرده‌اند که با توجه به نقش مهم کالاهای اساسی در تامین امنیت غذایی، این تمایز بنیادین این پژوهش می‌باشد. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته ذکر شده و عدم پرداختن به موضوع این پژوهش (شناسایی و رتبه‌بندی موانع سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی) جای خالی این پژوهش در راستای رفع مشکل تولید کالاهای اساسی به‌خوبی محسوس است.

روش پژوهش

فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) یکی از معروف‌ترین فنون تصمیم‌گیری چند منظوره^۱ است که نخستین بار به وسیله توماس ال ساعتی^۲ در دهه ۱۹۷۰ ابداع شد. این روش در هنگامی که عمل تصمیم‌گیری با چند گزینه رقیب^۳ و معیار تصمیم‌گیری^۴ روبرو است می‌تواند استفاده شود. معیارهای مطرح شده می‌توانند کمی یا کیفی باشند (Adel azar, 1995). روش AHP برای اتخاذ تصمیم‌هایی پیچیده که عناصر و فاکتورهای تصمیم‌گیری در آن کیفی بوده و به سختی می‌توان آن را به جنس کمی تبدیل کرد، مناسب است. هدف از فرایند تحلیل سلسله مراتبی ایجاد یا تشکیل سلسله مراتب پیچیدگی یک مسئله طی مدارج طبقه‌بندی شده از بزرگ به کوچک یا از عمومی به مطالب خاص می‌باشد تا بتوان به این ترتیب به دقت بیش‌تری از موضوع دست پیدا کرد. در بکارگیری روش AHP برای حل مسئله تصمیم‌گیری، چهار مرحله اساسی به شرح زیر وجود دارد (Moshiri, 2001):

^۱ - Multi Attribution Decision Making

^۲ - Thomas L. Saaty

^۳ - Alternatives

^۴ - Criteria or Factors

- بنا کردن سلسله مراتب^۱ و طبقه بندی مسئله مورد نظر
به این ترتیب که در رأس سلسله مراتب، هدف کلی و کلان موضوع تصمیم گیری و در مراتب پایین تر، صفات و معیارهایی که به گونه ای از انحاء در کیفیت هدف تأثیر دارند قرار گرفته (چنانچه لازم باشد معیارها را به زیر گروههای جزئی تر تقسیم کرد) و بالاخره در آخرین سطح، گزینه ها و انتخاب های تصمیم گیری قرار می گیرند.
- مقایسات زوجی^۲: شامل انجام مقایسات زوجی عوامل مندرج در هر سطح از سلسله مراتب در جوابگویی به پژوهش هدف یا تأمین نیازهای هدف یا عوامل سطح بالاتر می باشد. این مقایسات در ماتریسی به نام «ماتریس مقایسات زوجی^۳» درج می شود. (Satty, 1994: 24) این ماتریس دو خاصیت عمده دارد: نخست آن که قطر این ماتریس عدد ۱ است و دوم آنکه ترجیح عوامل نسبت به یکدیگر خاصیت معکوس پذیری دارند (Satty, 1980).
- محاسبه وزن نسبی عوامل: در مرحله سوم از فرایند AHP، با استفاده از ماتریس مقایسات زوجی، وزن نسبی عوامل هر سطح محاسبه می شود.

$$A.W = n.W \quad (1)$$

که در رابطه بالا A ماتریس مقایسات زوجی نسبی و W بردار وزن های واقعی و n تعداد عوامل یا عناصر است.
- تعیین اهمیت نسبی عوامل: مرحله آخر فرایند AHP شامل تعیین اهمیت نسبی هر کدام از گزینه های تصمیم گیری در رابطه با معیارها و هدف کلی مسئله مورد نظر است. برای این منظور، وزن های نسبی عوامل در سطح K ام در رابطه با سطح اول (هدف کلی مسئله) از رابطه زیر محاسبه می گردد:

$$C(1, K) = \prod_i B_i \quad (2)$$

که در آن C(1, K) بردار ترکیبی وزن های نسبی عوامل در سطح K ام در رابطه با عوامل سطح نخست، و B_i یک ماتریس n-1×n است که سطرهای آن تشکیل بردارهای \widehat{W} را می دهند. n_i بیانگر تعداد عوامل در سطح i بوده و در واقع همان وضعیت n در معادله (۱) را دارد و گذاشتن زیر نویس i فقط بمنظور نشان دادن سطح i است.

^۱-Hierarchy

^۲- Pair- Wise Comparisons

^۳-Pair- Wise Comparison Matrix

به گونه معمول برای رتبه‌بندی نهایی معیارها از نرم افزار EC (Expert Choice) استفاده می‌شود. در اولویت‌بندی عناصر و فعالیت‌ها با توجه به معیارها، برای اطمینان از نتایج بدست آمده و تصدیق روند عملیات، بررسی سازگاری لازم است. در شیوه AHP، ناسازگاری کلی قضاوت‌ها به وسیله نرخ سازگاری^۱ (CR) محاسبه می‌شود. نرخ سازگاری، مقدار سازگاری مقایسات را مشخص می‌کند و این سازگاری نشان می‌دهد که تا چه اندازه می‌توان به اولویت‌بندی بدست آمده بر اساس معیارهای تعریف شده و جداول ترکیبی اعتماد کرد. برای محاسبه نرخ سازگاری، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که بهترین روش آن استفاده از روش بردار ویژه است. بر اساس این روش نرخ سازگاری به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود ابتدا بردار مجموع وزن (WSV^۲) محاسبه می‌شود. برای محاسبه این بردار، مقادیر اصلی مقایسات گروهی در بردار اولویت کلی ضرب شده و مجموع هر سطر محاسبه می‌گردد (Ghodsipor, 2006).

با تقسیم هر یک از مؤلفه‌های بالا بر بردار اولویت معیارها، بردار سازگاری C.V^۳ محاسبه می‌شود. سپس شاخص سازگاری CI^۴، با توجه به معادله (۲) محاسبه می‌شود:

$$CI = \frac{\lambda_{max} - n}{n - 1} \quad (3)$$

که در رابطه فوق n تعداد گزینه‌ها و λ_{max} عبارتست از میانگین بردار سازگاری. رابطه نرخ سازگاری CR به صورت معادله (۴) است:

$$CR = \frac{CI}{RI} \quad (4)$$

RI^۵ نشان دهنده مقدار شاخص تصادفی است. این شاخص با توجه به تعداد گزینه‌ها بدست می‌آید.

در این بخش ابتدا به بیان موانع کلی پرداخته و با بررسی کتاب‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های متعدد، عوامل زیر، به عنوان موانع اقتصادی سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی مشخص شد که از آن‌ها برای رتبه‌بندی موانع اقتصادی سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی استفاده شده است. شیوه دسته‌بندی عوامل زیر گروه‌های شش‌گانه زیر براساس پژوهش انجام گرفته به وسیله معمار زاده طهران و امینی (۱۳۹۳) و مشورت با اساتید به صورت زیر دسته‌بندی شده است.

^۱-Consistency Rate

^۲-Weighted Sum Vector

^۳-Consistency Vector

^۴-Consistency Index

^۵-Rate Index

موانع سرمایه گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی

در این بخش ابتدا به بیان موانع کلی پرداخته و با بررسی کتابها، مقالهها و پژوهش‌های متعدد، عوامل زیر به‌عنوان موانع اقتصادی سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی استخراج شد که از آن‌ها برای رتبه‌بندی موانع اقتصادی سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی استفاده شده است. شیوه دسته‌بندی عوامل زیر گروههای شش گانه زیر براساس پژوهش انجام گرفته به وسیله معمارزاده طهران و امینی (۱۳۹۳) و با مشورت اساتید به صورت زیر دسته‌بندی شده است.

موانع حمایت دولتی و مقررات گذاری

ناکافی بودن حمایت های یارانه‌ای اعتباری دولتی در تامین نهاده‌ها

ناکافی بودن حمایت های دولتی برای هزینه کم‌تر تامین نهاده‌ها از راه پرداخت سوبسید و یارانه به آن‌ها که موجب بالارفتن هزینه سرمایه‌گذاران می‌شود و سود ناشی از سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. در همین زمینه در پژوهشی (انصاری و یکانی، ۱۳۹۳: ۸) نیز یکی از عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را ناکافی بودن حمایت های یارانه ای در تامین نهاده‌ها از سوی حاکمیت برشمرده‌اند.

مشخص نبودن استراتژی حمایت از کالاهای سرمایه‌ای کشاورزی

ضعف طرح های حمایتی از محصول همانند خرید تضمینی، پیش خرید و مشخص نبودن برنامه‌های حمایتی آنان در دوره های گوناگون کوتاه، میان و بلندمدت سبب کاهش رغبت سرمایه‌گذاران به انجام سرمایه‌گذاری می‌شود. (معمارزاده طهران و امینی، ۱۳۹۳: ۷) نیز در پژوهشی یکی از موانع سرمایه‌گذاری در کشور را در بخش کشاورزی مربوط به ضعف طرح‌های حمایتی دولتی برشمرده است.

بی ثباتی و ناموزون بودن سیاست‌های واردات و بازرگانی

ناهماهنگی سیاست های واردات و بازرگانی با خط مشی گذاری تولید کالاهای اساسی و بی‌ثباتی این سیاست‌ها اعم از قوانین و تعرفه‌های گمرکی، قوانین مشوق صادرات و.... که در نهایت، سبب کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران به طرح‌ها و پروژه‌های این حوزه می‌شود و نرخ سرمایه‌گذاری در این حوزه را کاهش می‌دهد (مرکز پژوهش های مجلس ، ۱۳۸۱: ۴).

بی‌ثباتی قوانین و مقررات انرژی و حوزه نهاده‌ها (ریسک مقررات)

ثابت نبودن قوانین و مقررات در حوزه‌های گوناگون قیمت‌گذاری، تعرفه‌ها و مواردی این چنین در انرژی و سایر نهاده‌ها که امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و بااطمینان را کاهش می‌دهد و مقدار ریسک سرمایه‌گذار را افزایش می‌دهد (کیانی و رنجبری، ۱۳۸۰: ۵).

فقدان مکانیسم لازم جهت تسهیل دریافت مجوزات قانونی

نامناسب بودن و عدم سازگاری در فرآیندهای قانونی برای تسهیل دریافت مجوزات قانونی که این امر سبب بالا رفتن هزینه سرمایه‌گذاران این حوزه می‌شود. همچنین، فراهم نبودن زمینه‌های جلب سرمایه‌گذاری خارجی بویژه عدم شفافیت قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت‌های اقتصادی و وجود ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و اجرایی‌انگیزه‌ها را برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با مشکل رویارو می‌سازد (مقدسی و مرب، ۱۳۸۶: ۱۱).

موانع سطح بنگاه

ریسک قیمت نهاده‌ها

بالا بودن هزینه نهاده‌ها و به صرفه نبودن آن که موجب فزونی هزینه نهایی تولید بر درآمد نهایی هر واحد می‌شود و در نتیجه بازدهی پایین تری را بدست می‌دهد که موجب کاهش سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌شود. بر اساس تئوری‌های سرمایه‌گذاری در صورتی یک سرمایه‌گذاری در هر بخشی انجام می‌گیرد که مقدار بازدهی پروژه دست‌کم به اندازه تامین هزینه نهاده‌های همان حوزه باشد (گیلان‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

پایین بودن ضریب و درجه مکانیزاسیون

پایین بودن مقدار استفاده از ابزارهایی که بهره‌وری را بالا می‌برند موجبات تولید ناکارا را فراهم آورده و همین امر باعث پایین آوردن سود حاصل از سرمایه‌گذاری می‌گردد. (امینی، ۱۳۸۸: ۷) در پژوهشی ضمن اشاره به موثر بودن ضریب و درجه مکانیزاسیون در حوزه کشاورزی بر سرمایه‌گذاری این بخش، بیان می‌کند که «در مورد مکانیزاسیون، ایران هم از نظر ضریب مکانیزاسیون و هم از نظر درجه مکانیزاسیون در سطح بالایی قرار ندارد.»

بالا بودن تعرفه بیمه برای کارفرما

بالا بودن مقدار هزینه ای که کارفرما به ازای استخدام هر نیروی کار جهت پوشش بیمه‌ای وی می‌پردازد موجب افزایش هزینه سرمایه گذاری می‌گردد و همین امر سود ناشی از سرمایه‌گذاری در این بخش را کاهش می‌دهد (گیلان‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

بالا بودن دستمزد نیروی کار و ریسک نوسان دستمزد

بالا بودن دستمزد نیروی کار متخصص در حوزه کشاورزی و نوسانات آن سبب کاهش سود ناشی از سرمایه‌گذاری می‌شود و انگیزه سرمایه‌گذاری در این بخش را کاهش می‌دهد. همان گونه که از تئوری نئوکلاسیکی سرمایه‌گذاری مشهود است، دستمزد نیروی کار به عنوان یک هزینه باید دست کم به اندازه عایدی حاصل از این نهاده تولید باشد و در صورتی که مقدار عایدی کم‌تر از مقدار هزینه (دستمزد) نیروی کار باشد، از لحاظ تئوریک این کار دارای توجیح اقتصادی نخواهد بود و در عمل بالا بودن نرخ دستمزد و نوسان آن سبب کاهش مقدار سرمایه‌گذاری در این بخش خواهد شد.

ضعف‌های پیوندهای زنجیره تولید ارزش

ضعف یا نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی: شکل نگرفتن یا ضعف در توسعه صنایعی که در زمینه آماده سازی، درجه بندی و نگهداری، فرآوری، بسته بندی، کاهش ضایعات پس از برداشت، بازاریابی و ایجاد برندهای ملی و حلال محصولات کشاورزی که در نهایت بهره‌وری حاصل از کل فرآیند کشاورزی را افزایش می‌دهد (قربانی و دریجانی، ۱۳۸۸: ۳). در پژوهش خود نیز بیان می‌دارند که وجود صنایع تبدیلی و تکمیلی سبب رشد بخش کشاورزی و افزایش سرمایه گذاری در این بخش می‌شود.

ریسک بازار (موانع بازاریابی و دسترسی به بازار)

ریسک بازار در اثر نوسانات قیمت دارایی‌ها در بازار ایجاد می‌شود و ریسک بازار که یکی از عوامل اصلی ایجاد کننده ریسک می‌باشد، به همراه ریسک اعتباری نقش اصلی را در بیش‌تر ورشکستگی‌ها ایفا می‌کنند و همین انگیزه سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌دهد (نیکوکار، ۱۳۸۱: ۴).

در دسترس نبودن نهاده های اولیه

نبود دسترسی کافی به نهاده هایی که بنگاه برای تولید کالاهای اساسی کشاورزی به آن‌ها نیازمند از قبیل: آب، بذر، کود، سم و... می‌باشد، در نهایت، هزینه بنگاه برای تامین این نهاده‌ها را بالا برده و بازده سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد که این عامل مطابق با تئوری نئوکلاسیک سرمایه‌گذاری در صورتی که موجب فزونی هزینه‌ها بر درآمدها شود، در عمل از لحاظ اقتصادی بنگاه در منطقه بهینه سرمایه‌گذاری قرار نمی‌گیرد و سرمایه‌گذاری برای او به صرفه (اقتصادی) نمی‌باشد (کیانی و رنجبری، ۱۳۸۰: ۵).

موانع پولی - مالی - ارزی

بالا بودن نرخ سود بانکی

نظریه کینز در زمینه سرمایه‌گذاری به دنبال بیان رابطه بین نرخ بهره و سرمایه‌گذاری اقتصاد می‌باشد. کینز این رابطه را به این صورت توجیح می‌کند که چون با کاهش نرخ بهره تعداد پروژه‌هایی که نرخ بازدهی داخلی آن‌ها بیش از نرخ بهره بوده و در نتیجه، قابل اجرا می‌باشند، افزایش می‌یابد، در نتیجه، حجم سرمایه‌گذاری در اقتصاد افزایش خواهد یافت (شاکری، ۱۳۹۴: ۷۵۳). بنابراین، تعیین دستوری نرخ سود در بخش اسمی اقتصاد به گونه مجزا از بخش حقیقی و اغلب بالا بودن آن موجبات عدم تخصیص بهینه منابع را فراهم آورده و سبب دشوار شدن برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذار می‌شود.

ضعف عملکرد نظام بانکی جهت تامین مالی

عدم وجود دغدغه در نظام بانکی برای تخصیص منابع برای تولید کالاهای اساسی و اولویت نداشتن این امر سبب کاهش متقاضیان سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین، توسعه نیافتگی نهادها و بازارهای مالی کشاورزی و نبود ابزارهای مالی مناسب برای تامین مالی طرح‌های میان‌مدت و بلندمدت بخش کشاورزی به این وضعیت دامن می‌زند (مقدسی و مرب، ۱۳۸۶: ۱۱).

ضعف عملکرد نهادهای بیمه گذار محصولات اساسی کشاورزی

ضعف عملکرد و نداشتن پوشش بیمه ای مناسب در نهادهای بیمه گذار این بخش در بیمه‌هایی مانند بیمه خشکسالی بیمه سرمایه‌گذاری که سبب پوشش نامناسب ریسک این حوزه می‌شود و سرمایه‌گذاری در این بخش را با ریسکی بیش‌تر روبه‌رو می‌سازد. وجود نهاد بیمه‌گری که بتواند بخشی مناسب از این ریسک را جذب نماید، برای بسط سرمایه‌گذاری الزامی است (گیلان‌پور، ۱۳۹۲: ۳۱۵).

نداشتن توانایی کشاورزان در ارائه تضمین های بانکی (ریسک مالی) نداشتن قدرت و توانایی عمده قشر کشاورزان در ارائه تضمین های بانکی برای دریافت تسهیلات و وام های گوناگون برای سرمایه گذاری در تولید کالاهای اساسی از مهم ترین موانع سرمایه گذاری در این بخش بشمار می رود^۱.

موانع زیر بنایی

بهره‌وری پایین بخش کشاورزی

بهره‌وری پایین بخش کشاورزی به سبب عوامل گوناگون سبب آریبیتراژ سرمایه از بخش کشاورزی به سایر بخش ها می شود^۲ (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸: ۱۸).

پراکندگی بیش از حد در اقطاع زمین

نبود یکپارچگی در عمده زمین ها و مزارع کشاورزی که محدودیت‌هایی را در تولید ایجاد می کند و بازده نسبت به مقیاس تولید را در حوزه کشاورزی کاهش می دهد و به علت محدود ساختن تولید و روش های گوناگون آبیاری به نحوی دیگر از موانع سرمایه گذاری در بخش کشاورزی بویژه کالاهای اساسی بشمار می رود (مقدسی و مرب، ۱۳۸۶: ۱۱).

ضعف در زیرساخت های حمل و نقل و نگهداری محصول

نبود زیرساخت های لازم جهت انتقال محصولات و نگهداری آن ها در راستای عدم اتلاف منابع از سویی و افزایش هزینه های مبادله از سویی دیگر سبب کاهش انگیزه سرمایه گذاری در بخش کشاورزی می شود. (صفازاده و همکاران، ۱۳۸۶) یکی از مهم ترین بخش های اقتصادی کشور بخش حمل و نقل است که اهمیت زیاد آن به دلیل وابستگی شدید سایر بخش های اقتصادی کشور (بویژه کشاورزی و محصولات اساسی آن) به این بخش است (مهرگان و قربانی، ۱۳۸۸).

ضعف در سرمایه انسانی

پایین بودن سطح دانش علمی - عملی لازم جهت استفاده بهینه منابع و جلوگیری از اتلاف آن ها در راستای تولید کارآ، کمبود کارگران آشنا به مسائل بومی و فرهنگی هر منطقه و بالا بودن سن

^۱ - مصاحبه با کارشناسان بیمه محصولات کشاورزی به وسیله نگارنده.

^۲ - مصاحبه با مشاور وزیر سابق جهاد کشاورزی به وسیله نگارنده.

نیروی کار در این حوزه سبب پایین آوردن بازدهی سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌شود (طالبی و سلیمانی، ۱۳۹۲: ۲۹).

موانع نهادی کلان

ضعف سیستم اطلاعات رسانی

وجود داده‌های نامتقارن سرمایه‌گذاران سبب ایجاد رانت‌ها در رقابت نابرابر میان بخش خصوصی و دولتی و عدم تطابق در فضای انتظارات سرمایه‌گذاری می‌شود و انگیزه برای سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی را کاهش می‌دهد. بر اساس تئوری سرمایه‌گذاری نئوکلاسیکی نبود داده‌های متقارن سبب ایجاد نبود تطابق در فضای انتظارات سرمایه‌گذاری می‌شود که این امر موجبات رانت را فراهم می‌کند و انگیزه عمومی افراد جامعه برای سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۸: ۱۳).

بازدهی بالا در بازارهای رقیب

وجود بازدهی بالا در بازارهای سرمایه‌گذاری جایگزین اعم از ارز، سکه، اتموبیل ... سبب انتقال سرمایه‌گذاری از حوزه کالاهای اساسی کشاورزی به سایر بخش جهت تحصیل سود بیش‌تر می‌گردد چراکه سودآوری اندک در واحدهای بهره‌برداری کوچک و بالابودن ریسک، منجر به کاهش تمایل سرمایه‌گذاری در این بخش، گریز وام و سرمایه و جذب آن در سایر بخش‌های اقتصادی به-ویژه بخش غیر مولد شده است (مقدسی و مرب، ۱۳۸۶: ۱۱).

ضعف نهاد بازار در تعیین قیمت کالاهای اساسی کشاورزی

مهم‌ترین مشخصه نظام بازاری، تخصیص بهینه منابع به واسطه انتقال درست داده‌های قیمتی است. در صورتی که بازار شکل گرفته، ولی مبادله داده‌ها به آسانی و با هزینه اندک در آن ممکن نباشد، خصوصیت اصلی نظام بازار مختل خواهد شد (گیلان‌پور، ۱۳۹۲: ۳۱۵). عدم تحقق کامل نظام بازار که متکفل جلوگیری از قیمت‌گذاری ناکارآمد و دستوری است، سبب ضعف این نهاد در نظام قیمت‌گذاری کالاهای اساسی کشاورزی شده است که موجبات ریسک‌پذیری بالای سرمایه‌گذاران در قیمت محصول نهایی می‌شود و رغبت سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد.

ضعف‌های کارآمدی نظام اداری و اجرایی

وجود سازمان‌های متفاوت و تعدد وزارتخانه‌های گوناگون که هرکدام بوروکراسی گسترده‌ای را در مسیر سرمایه‌بوجود آورده اند از یک طرف و دیوان‌سالاری دولتی غیرکارآمد سنگینی که در

اقتصاد بوجود می‌آید، از عواملی است که انگیزه سرمایه گذاری را کاهش می‌دهد (ورمزیاری، ۱۳۹۰: ۳).

دلالتی و ساختار نامناسب توزیع محصول

وجود اختلال هایی در ساختار توزیع و وجود موانعی همچون قاچاق و دلالتی و غیره که سبب بالا رفتن سود بخش توزیع نسبت به بخش مولد می‌شود و انگیزه سرمایه گذاری در این بخش را کاهش می‌دهد (مجله جهاد، ۱۳۶۴: ۳۱).

بالا بودن درجه ریسک‌های سیاسی و کلان

ریسک سیاسی مربوط به عواملی است که به گونه مستقیم مربوط به محاسبات اقتصادی طرح نمی‌شوند، ولی بر آن تأثیر می‌گذارند. ریسک سیاسی ناشی از سیاست های اقتصادی دولت، کمی یا زیادی نقدینگی در جامعه و یا ناآرامی های اجتماعی و مواردی این چنین می‌تواند بر طرحی که به طور اصولی باید سودآور باشد، تأثیر بگذارد و آن را با زیان مواجه سازد. بالا بودن این مدل ریسک، سبب بالابردن مخاطرات ناشی از سرمایه‌گذاری می‌شود و کاهش انگیزه‌ها برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را در پی دارد (مقدسی و مرب، ۱۳۸۶: ۱۱).

در این پژوهش از ۲۶ معیار در ۶ زیرشاخه موانع حمایت دولتی و مقررات گذاری، موانع سطح بنگاه، ضعف‌های پیوندهای زنجیره تولید ارزش، پولی- مالی- ارزی، موانع زیر بنایی، نهادی کلان استفاده شده است.

با توضیح روش تحلیل سلسله مراتبی در قالب موضوع پژوهش، با استفاده از عوامل استخراج شده قسمت پیشینه تحقیق و عوامل مستخرج از تئوری ها و مصاحبه‌ها (که در بالا آمده است)، در سال ۱۳۹۵ به توزیع ۴۵ پرسش‌نامه در بین گروه‌های زیر با توزیع تقریباً یکسان پرداخته شد و از این میان ۳۲ پرسش‌نامه تکمیل شده مورد استفاده در فرآیند رتبه‌بندی عوامل قرار گرفت. پرسش‌نامه‌های این پژوهش به وسیله ۶ گروه زیر تکمیل شده است:

- ۱) سرمایه‌گذاران حوزه کالاهای اساسی کشاورزی.
- ۲) اساتید و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته‌های اقتصاد، اقتصاد کشاورزی.
- ۳) تعدادی از مسئولان وزارت جهاد کشاورزی.
- ۴) کارشناسان حوزه کشاورزی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۵) کارشناسان کشاورزی بانک کشاورزی.
- ۶) کارشناسان حوزه بیمه محصولات کشاورزی.

با استخراج نظرات خبرگان این حوزه در نهایت، نتایج زیر در مورد رتبه بندی موانع اقتصادی سرمایه گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی حاصل شد:

نتایج و بحث

بر اساس نمودار زیر که مستخرج از نرم افزار expert choice است، مهم ترین مانع از نظر نخبگان مورد پرسش واقع شده، سرمایه گذاری مربوط به عوامل حمایتی دولتی و مقررات گذاری با وزن ۰/۲۲۷ می باشد. دومین عامل شناسایی شده در این حوزه مربوط به عوامل نهادی کلان با وزن ۰/۲۰۱ می باشد و عوامل پولی-مالی-ارزی، موانع زیر بنایی، ضعف پیوندهای زنجیره تولید ارزش و موانع سطح بنگاه در رده های بعدی با وزن های ۰/۱۷۷ و ۰/۱۶۵ و ۰/۱۳۳ و ۰/۰۹۶ قرار دارند. کم تر بودن ضریب ناسازگاری از ۰/۱ هم بیانگر سازگاری بالای پرسش نامه های پر شده می باشد.

بر اساس جدول ۲، ذیل موانع حمایتی دولتی و مقررات گذاری، عامل بی ثباتی و ناموزون بودن سیاست های واردات و بازرگانی نسبت به سایر عوامل در اولویت نخست قرار گرفته است و پس از آن مشخص نبودن استراتژی حمایت از کالاهای سرمایه ای کشاورزی در اولویت دوم و هم چنین بی ثباتی قوانین و مقررات انرژی و حوزه نهاده ها (ریسک مقررات) نیز در اولویت سوم قرار گرفته است. دو عامل ناکافی بودن حمایت های یارانه ای اعتباری دولتی در تأمین نهاده ها و فقدان مکانیسم لازم برای دریافت مجوزات قانونی هر چند در نگاه نخست جزء اولویت های بالا به نظر می رسند، اما در رتبه های چهارم و پنجم قرار گرفته اند. هم چنین، کم تر بودن ضریب ناسازگاری از ۰/۱ نیز بیانگر سازگاری بالای پرسش نامه های پر شده می باشد.

از میان عوامل گوناگون نهادی کلان، دلالتی و ساختار نامناسب توزیع محصول با فاصله تقریباً زیادی نسبت به دیگر عوامل در رتبه نخست قرار دارد و پس از آن به ترتیب، بازدهی بالا در بازارهای رقیب در رتبه دوم قرار گرفته است که در واقع بر اساس نظر خبرگان این حوزه، در واقع بخش کشاورزی و کالاهای اساسی، نسبت به سایر بخش ها از بازدهی پایین تری برخوردار است. پس از آن ضعف کارآمدی نظام اداری و اجرایی، ضعف نهاد بازار در تعیین قیمت کالای اساسی کشاورزی، بالا بودن درجه ریسک های سیاسی و کلان و ضعف سیستم اطلاع رسانی در رتبه های بعدی قرار گرفته اند؛ ضریب ناسازگاری نیز کتر از ۰/۱ و نشانگر سازگاری بالای نتایج پرسش نامه است.

نتایج نرم افزار در زمینه موانع پولی-مالی-ارزی بیانگر آن است که در میان موانع گوناگون، ضعف عملکرد نظام بانکی برای تأمین مالی در خصوص کالاهای اساسی بخش کشاورزی در رتبه نخست

جای گرفته است و پس از آن عدم توانایی کشاورزان در ارائه تضمین‌های بانکی (ریسک مالی) با فاصله نه‌چندان کمی از عامل قبلی در رتبه دوم قرار گرفته است. سپس دو عامل بالابودن نرخ سود بانکی و ضعف نهادهای بیمه‌گذار محصولات کشاورزی، با اختلافی زیاد در رتبه‌های سوم و چهارم هستند؛ ضریب ناسازگاری نیز کمتر از ۰/۱ و نشانگر سازگاری بالای نتایج پرسش‌نامه است.

در مورد موانع زیربنایی، باتوجه به نتایج بدست آمده می‌توان اظهار داشت، بهره‌وری پایین بخش کشاورزی نسبت به سایر عوامل بالاترین رتبه را کسب کرده است. این مسأله در کنار بالاتر بودن بازدهی سایر بخش‌ها که از عوامل نهادی کلان بود، گویای این نکته است که در بخش کشاورزی، دو عامل بازدهی و بهره‌وری پایین از مهم‌ترین موانع جهت سرمایه‌گذاری در زمینه کالاهای اساسی بخش کشاورزی بشمار می‌روند. پس از آن، پراکندگی بیش از حد در اقطاع زمین، ضعف در زیرساخت‌های حمل و نقل و نگهداری محصول و همچنین ضعف در سرمایه انسانی در رتبه‌های بعدی قرار دارند؛ ضریب ناسازگاری نیز کمتر از ۰/۱ و نشانگر سازگاری بالای نتایج پرسش‌نامه است.

از میان موانع مرتبط با ضعف موجود در پیوندهای زنجیره ارزش به ترتیب، ضعف یا نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی و ریسک بازار (موانع بازاریابی و دسترسی به بازار) با اختلاف بسیار زیادی نسبت به عامل سوم که در دسترس نبودن نهادهای اولیه است در رتبه‌های نخست و دوم قرار گرفته‌اند؛ ضریب ناسازگاری نیز کمتر از ۰/۱ و نشانگر سازگاری بالای نتایج پرسش‌نامه است.

در مورد موانع سطح بنگاه همچنان که در نمودار مشخص است پایین بودن ضریب و درجه مکانیزاسیون و ریسک قیمت نهاده‌ها در رتبه‌های نخست و دوم قرار گرفته‌اند. پس از آن بالا بودن تعرفه بیمه برای کارفرما به فاصله‌ای به اندازه نیمی از عامل ریسک قیمت نهاده‌ها در رتبه سوم قرار گرفته است و سپس بالابودن دستمزد نیروی کار و ریسک نوسان دستمزد با فاصله اندکی در رتبه چهارم قرار دارد. کمتر بودن ضریب ناسازگاری از ۰/۱ نیز بیانگر سازگاری بالای پرسش‌نامه‌های پر شده می‌باشد.

اما یافته‌های این پژوهش به شرح زیر است:

بر اساس جدول ۸ که مستخرج از نرم افزار expert choice می‌باشد، مهمترین مانع سرمایه‌گذاری مربوط به عوامل حمایتی دولتی و مقررات‌گذاری با وزن ۰/۲۲۷ می‌باشد. دومین عامل شناسایی شده در این حوزه مربوط به عوامل نهادی کلان با وزن ۰/۲۰۱ می‌باشد و عوامل پولی-مالی-ارزی، موانع زیر بنایی، ضعف پیوندهای زنجیره تولید ارزش و موانع سطح بنگاه در رده های بعدی با وزن های ۰/۱۷۷، ۰/۱۶۵، ۰/۱۳۳ و ۰/۰۹۶ قرار دارند. کمتر بودن ضریب ناسازگاری از ۰/۰۱ هم بیانگر سازگاری بالای پرسش‌نامه‌های پر شده می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله پس از این‌که بحث و بررسی در مورد ضرورت شناسایی موانع اقتصادی سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی انجام گرفت، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و نظرات صاحب‌نظران و با بکارگیری روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، موانع اقتصادی سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی، شناسایی و رتبه بندی شد و «بی‌ثباتی و ناموزون بودن سیاست‌های واردات و بازرگانی»، «ضعف عملکرد نظام بانکی جهت تأمین مالی» و «مشخص نبودن استراتژی حمایت از کالاهای سرمایه‌ای کشاورزی» به عنوان مهم‌ترین موانع اقتصادی سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی شناسایی شدند.

توصیه‌هایی که می‌توان با توجه به نتایج پژوهش ارائه کرد، عبارتند از:

بر اساس جدول ۸ مهم‌ترین عامل از نظر نخبگان مربوط به عوامل حمایت دولتی و مقررات‌گذاری است و مهم‌ترین عامل در این گروه بی‌ثباتی و ناموزون بودن سیاست‌های واردات و بازرگانی است. شاید مهم‌ترین دلیلی هم که می‌توان برای این امر بیان کرد این است که بی‌ثباتی سیاست‌های حوزه واردات و بازرگانی می‌تواند به شکست سرمایه‌گذار در این حوزه منجر شود. چراکه بی‌ثباتی سیاست‌ها سبب می‌شود که نا اطمینانی و ریسک سرمایه‌گذار بالا رفته و سود ناشی از سرمایه‌گذاری را متزلزل و بی‌ثبات کند. لذا، افراد ترجیح می‌دهند که به سرمایه‌گذاری در محیطی امن‌تر و کم‌مخاطره‌تر اقدام کنند.

ناهماهنگی سیاست‌های واردات و بازرگانی با خط‌مشی‌گذاری تولید کالاهای اساسی و بی‌ثباتی این سیاست‌ها اعم از قوانین و تعرفه‌های گمرکی، قوانین مشوق صادرات و مواردی این چنین در نهایت، سبب کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران به طرح‌ها و پروژه‌های این حوزه می‌شود و نرخ سرمایه‌گذاری در این حوزه را کاهش می‌دهد. می‌توان با تثبیت سیاست‌های واردات و بازرگانی در بازه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت و بالا بردن تعرفه‌های واردات و کاهش تعرفه‌های صادراتی این محصولات عملاً اطمینان خاطر سرمایه‌گذاران برای ورود سرمایه به این بخش را تا حدی مطلوب فراهم آورد.

دومین عامل از دیدگاه نخبگان مربوط به حوزه پولی-مالی-ارزی می‌باشد که مربوط به ضعف عملکرد نظام بانکی جهت تأمین مالی است. منابع تأمین سرمایه در بخش کشاورزی از دو راه زیر انجام می‌گیرد:

(ا) سرمایه‌گذاری از محل پس انداز سرمایه‌گذاران

(ب) تسهیلات اعتباری پرداختی توسط بانک‌ها به این بخش

به دلیل درآمد کم عمده قشر کشاورز کشور، سرمایه‌گذاری از محل پس انداز سرمایه گذاران رقم بسیار زیادی را نشان نمی‌دهد مقدار سرمایه‌گذاری در کل بخش کشاورزی تابعی از مقدار تسهیلات اعطایی به آن بخش می‌باشد؛ لذا از مهم‌ترین عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، ارائه تسهیلات با نرخ سود مناسب از سوی بانک‌ها جهت تامین مالی پروژه های سرمایه‌گذاری است. از سویی دیگر، نبود دغدغه در نظام بانکی جهت تخصیص منابع برای تولید کالاهای اساسی و اولویت نداشتن این امر سبب کاهش متقاضیان سرمایه گذاری این حوزه می‌شود. پیشنهاد می‌شود که بانک کشاورزی به عنوان بانک تخصصی این حوزه، با تخصیص اعتبارات و وام‌های کم بهره و طولانی‌مدت و برقراری طرح‌های مشارکتی، زمینه تامین مالی مورد نیاز این حوزه را فراهم آورد.

سومین عامل از دیدگاه نخبگان مربوط به موانع حمایت دولتی و مقررات گذاری است. عامل منتخب خبرگان مشخص نبودن استراتژی حمایت از کالاهای سرمایه‌ای کشاورزی می‌باشد؛ همان‌گونه که در تبیین عوامل مشخص شد ضعف طرح‌های حمایتی از محصول همانند خرید تضمینی، پیش خرید و مواردی این چنین و مشخص نبودن برنامه‌های حمایتی آنان در دوره‌های گوناگون کوتاه، میان و بلندمدت سبب کاهش رغبت سرمایه‌گذاران به انجام سرمایه گذاری می‌شود. در این حوزه نیز می‌توان با تعیین و تقویت طرح های حمایتی مانند: طرح خرید تضمینی، پیش خرید، یارانه‌های نهاده‌ای و مواردی این چنین در دوره‌های زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، زمینه را برای سرمایه گذاری هر چه بیش‌تر کشاورزان فراهم آورند.

چهارمین عامل مربوط به عوامل زیر بنایی است. در اصل، در اقتصاد کشور از بین حوزه های گوناگون کشاورزی، صنعت و معدن و نفت و خدمات، پایین ترین بازده متعلق به حوزه کشاورزی می‌باشد. همان‌گونه که بیان شد، بهره‌وری پایین بخش کشاورزی به سبب عواملی مانند موقعیت جغرافیایی، سنتی بودن شیوه کشاورزی، ضایعات بالای محصول، غیر رقابتی بودن محصول، پایین بودن راندمان آبیاری و... می‌باشد که سبب کاهش عملکرد در هکتار محصولات نسبت به استانداردهای موجود شده و سبب آربیتراژ سرمایه از بخش کشاورزی به دیگر بخش‌ها می‌شود که اقدام‌های زیر در راستای اصلاح می‌تواند مثمر ثمر باشد:

- ۱) کشت متناسب با ظرفیت های هر منطقه
- ۲) بالا بردن مکانیزاسیون محصولات حوزه کشاورزی
- ۳) افزایش سطح دانش کشاورزان و بهره برداران این بخش
- ۴) اصلاح نظام بازار و بازاریابی محصولات کشاورزی
- ۵) اصلاح نظام قیمت گذاری محصولات اساسی کشاورزی

- ۶) ارتقا نظام آبیاری از شیوه غرقابی به شیوه های جدید
- ۷) گسترش صنایع تکمیلی و تبدیلی در جهت کاهش ضایعات محصول
- ۸) اصلاح نهاده‌ها از قبیل بذر، نوع کود، سم و ... در راستای افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی اساسی برای کاهش ضایعات و رقابت‌پذیری بیش‌تر این محصولات و عملکرد بالاتر در محصولات

و پنجمین عامل مرتبط با ضعف پیوندهای زنجیره تولید ارزش است. عامل منتخب خبرگان در این حوزه ضعف یا نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی است. همان‌گونه که در تبیین عوامل بیان شد، این صنایع، صناعی هستند که در زمینه آماده سازی، درجه بندی و نگهداری، فرآوری، بسته بندی، کاهش ضایعات پس از برداشت، بازاریابی و ایجاد برندهای ملی و حلال محصولات کشاورزی که در نهایت، بهره‌وری حاصل از کل فرآیند کشاورزی را افزایش می‌دهد. وجود صنایع تکمیلی از سوی سبب افزایش بازدهی می‌شوند و از سوی دیگر، هم موجبات تقاضای بیش‌تر محصولات را فراهم می‌آورند و همین امر باعث می‌شود که بهره‌وری سرمایه‌گذاری افزایش یابد؛ لذا، ارتباط بخش کشاورزی با سایر بخش‌ها مانند صنعت می‌تواند سبب افزایش بهره‌وری این حوزه شود و از سوی دیگر، هم با فرآوری بیش‌تر محصولات اساسی مورد نیاز غذایی را افزایش دهد. پیش‌بینی کردن اعتبارات مورد نیاز برای تامین این صنایع، برخوردار بودن صنایع تبدیلی از معافیت‌های مالیاتی و مزایای دیگر مانند تخفیف تعرفه‌های آب و برق مانند بخش کشاورزی، پایین بودن قیمت تمام شده ماشین‌های تبدیلی، افزایش تسهیلات سرمایه در گردش، تعویض ماشین‌آلات فرسوده و کوتاه مدت کردن روند طولانی مدت بررسی طرح‌های متقاضیان صنایع تبدیلی در بانک‌ها بویژه متقاضیان استفاده از صندوق ذخیره ارزی کشور از مهم‌ترین راه‌های تقویت این صنایع و کمک به بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی می‌باشد.

در راستای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از ناحیه کالاهای اساسی توصیه می‌شود که ظرفیت‌های تولیدی استان‌های مختلف در پژوهش‌های جداگانه مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود هر منطقه برای تولید کدامیک از محصولات اساسی مناسب است و مزیت هر منطقه در چه محصولی می‌باشد. پس از شناسایی ظرفیت‌ها از تولیدکنندگان این محصولات حمایت‌های لازم انجام گیرد و سیاست‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاران تدارک دیده شود تا با یک حرکت جهادی مقدار تولید این محصولات در داخل جهش پیدا کند و نیاز به واردات آن‌ها کاهش یابد.

با شناسایی دقیق ظرفیت‌های تولیدی هر منطقه در حوزه محصولات اساسی کشاورزی، از راه برقراری سیاست‌های حمایتی، کشاورزان هر منطقه را به سمت تولید محصول اساسی که دارای مزیت تولیدی بالایی می‌باشد، سوق دهند و از تولید محصولات با مزیت کم‌تر که هم آب زیادی

مصرف می کنند و هم هزینه زیادی صرف آن ها می شود و در بین محصولات اساسی جایی ندارند، منصرف کنند.

برای افزایش ضریب خوداتکایی و نیل به خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی پیشنهاد می شود که براساس نتایج مستخرج از پژوهش به رفع موانع رتبه بندی شده در پژوهش پرداخته و با اصلاح سیاست ها و قوانین دولتی و سیاست های ارزی- پولی- مالی، زمینه سرمایه گذاری و تولید این محصولات را در سطح بیش تری فراهم آورند و سبب افزایش ضریب خود اتکایی و نیل به خود کفایی شود.

در این پژوهش فقط در زمینه آن دسته از کالاهای اساسی کشاورزی که دارای اولویت وارداتی بودند مطالعه شد. در زمینه کالاهای اساسی بخش های دیگر مثل بخش صنعت، پزشکی نیز می تواند پژوهش هایی مشابه انجام گیرد؛ چراکه دارو یکی از اساسی ترین کالاهاست، ولی چون هماهنگی با کالاهای مورد بررسی نداشت در این پژوهش از آن صرف نظر شد.

در راستای افزایش بهره وری و تولید بالاتر محصول (افزایش عملکرد در هکتار) آموزش ها و راهکارهای لازم برای افزایش بهره وری تولید محصولات اساسی کشاورزی به کشاورزان داده شود تا با استفاده از این مهم، ضریب خوداتکایی در محصولات بالاتر رفته و امنیت غذایی مورد نیاز جامعه افزایش یابد.

این پژوهش به شناسایی و رتبه بندی موانع صرفا اقتصادی سرمایه گذاری پرداخته است و به دلیل وسعت کار مجال پرداختن به عوامل غیر اقتصادی در این پژوهش نبود. لذا، به دلیل اثرگذاری عوامل گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی بر عامل سرمایه گذاری توصیه می شود که در پژوهشی جداگانه به بررسی این موانع پرداخته شود.

منابع

- امجدی، ا. و خالدی، م. و اردستانی، م. و ذبیحی، ر.ع. (۱۳۹۱). بررسی هدفمندسازی حامل های انرژی و تأثیرات آن بر حمل و نقل کالاهای کشاورزی، مرکز پژوهش های مجلس.
- برانسون، و. اچ. (۱۳۸۶). نظریه ها و سیاست های اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم.
- بی نام، (۱۳۷۶). تنگناهای بخش کشاورزی (۵): تسهیلات بانکی بخش کشاورزی و یک پیشنهاد، مرکز پژوهش های مجلس.
- بی نام، تنگناهای سرمایه گذاری در ایران، مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۷۵
- بی نام، (۱۳۹۰). کشاورزی ایران بهره وری یا توسعه، دفتر ساماندهی کشاورزی و آب اتاق

- بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.
- بی‌نام، (۱۳۶۴). مشکلات عرضه محصولات کشاورزی (قسمت دهم: واسطه-گری)، مجله جهاد، بخش اقتصادی.
- بی‌نام، (۱۳۷۷). بحثی پیرامون توسعه پایدار کشاورزی، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- بی‌نام، (۱۳۷۵). مسائل بازار سرمایه ایران (۳): تنگناهای ساختاری بازار سرمایه در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- بی‌نام، (۱۳۹۴). صادرات و واردات بخش کشاورزی ۱۳۹۳، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه ریزی و اقتصادی، مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات.
- تار، ف.ا.، (۱۳۸۹). تاثیر تعرفه‌ها در واردات، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، بهار
- تفضلی، فریدون، اقتصاد کلان: نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱.
- چابکرو، غ.ر. و گری، ر. (۱۳۸۴). سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در شرایط ناطمینانی، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۵۱.
- دهقان، ا.ذبیحی افروز، ر.ع. و حسینی ثابت، م. (۱۳۸۸). بهره‌وری محصولات زراعی در ازای مصرف آب در ایران و مقایسه آن با کشورهای جهان، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
- رهبر، ف. مظفری خامنه، ف. محمدی، ش. (۱۳۸۶). موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۱.
- سلامی، ح.ا. و انصاری، و. (۱۳۸۶). عوامل متمایز کننده طرح‌های سرمایه‌گذاری کشاورزی موفق و ناموفق (مطالعه‌ای در چارچوب روش تحلیل تابع تبعیضی)، مجله علوم کشاورزی ایران، دوره ۲- ۳۸، شماره ۲، ۱۳۸۶
- شاکری، ع. و موسوی، م. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در بخش کشاورزی، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال یازدهم، شماره ۴۳ و ۴۴.
- شاکری، ع. و موسوی، م. (۱۳۸۷). ارائه راهکارهای افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران، مجله اقتصاد و کشاورزی، شماره ۳.
- صامتی، م. فرامر زپور، ب. (۱۳۸۳). بررسی موانع سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی، مجله اقتصاد و کشاورزی و توسعه، شماره ۴۵.
- کرباسی، ع.ر. و خاکسار آستانه، ح. (۱۳۸۲). بررسی ارتباط متقابل بخش‌های صنعت و کشاورزی (مطالعه موردی ایران)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۵.

- کشاورز، ع. و کلانتر، ع. (۱۳۹۰). ارزیابی عملکرد برنامه چهارم بخش کشاورزی و انطباق با سند چشم انداز، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش های اقتصادی.
- کهنسال، م.ر. و شاهنوشی، ن. و گلریز ضیائی، ز. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر سرمایه گذاری عمومی در زیرساخت های کشاورزی بر رشد بهره‌وری بخش کشاورزی ایران، مجله دانش و توسعه، شماره ۲۷.
- گیلان پور، ا. (۱۳۹۲). تحلیل سرمایه گذاری در بخش کشاورزی ایران: چالش‌ها، قوانین و مقررات، نیازها و راهکارها، واحد انتشارات اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۲
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۹). نگاهی به راهبردهای اصلی بخش کشاورزی در برنامه های پنج ساله توسعه در بیست سال گذشته، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- معمارزاده طهران، غ.ر. و امینی، ا. (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت بندی موانع سرمایه گذاری خارجی در ایران، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال سوم، شماره پنجم و ششم، بهار و تابستان.
- معمارزاده طهران، غ. ر. و امینی، ا. (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت بندی موانع سرمایه گذاری خارجی در ایران، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، شماره ۵.
- مهرگان، ن. (۱۳۷۲). تأثیر خصوصی سازی بر بهره‌وری نهایی سرمایه بخش کشاورزی، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ویژه.
- مهرگان، ن. (۱۳۷۱). تحولات سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۶۱ و ۶۲.
- مقدسی، ر. و مرب، آ. (۱۳۸۶). سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- مردان س. (۱۳۷۰). آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی- اقتصادی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- مردان، س. (۱۳۷۰). آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی- اقتصادی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- موسوی نژاد، م.ق. (۱۳۷۲). عملکرد بخش کشاورزی در برنامه اول ۵ ساله (۷۲-۱۳۶۸)، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- ورمزیاری، ح. (۱۳۹۰). بررسی تحولات تاریخی نظام اجرایی بخش کشاورزی، منابع طبیعی و توسعه روستایی؛ با تأکید بر تغییرات ساختاری کنونی وزارت جهاد کشاورزی، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰
- هانت، د. (۱۳۷۶). نظریه‌های اقتصاد توسعه- تحلیلی از الگوهای رقیب، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.

- هژبر کیانی، ک. علیزاده جانویسلو، م.ر. (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی ایران با استفاده از روش حداقل مربعات غیر خطی، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۹.

- هوشمند، م. و دانش‌نیا، دانش‌نیا و عبداللهی، ز. و اسکندری‌پور، ز. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، شماره ۱۱.

References

- AGRICULTURE OUTLOOK (2013). COMCEC Coordination Office, Ankara/TURKEY.
- SWOT OUTLOOK on OIC Member Countries (2012). Organisation of the Islamic Cooperation, Statistical Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries (SESRIK)
- Marx, K. (1904). A contribution to the critique of political economy (No. 1). International Library Publishing Company; London, Kegan Paul, Trench Trubner, Limited.
- FAO, (2002). The State of Food Insecurity in the World (SOFI) (2001). Food and Agriculture Organization of the United Nations: Rome, Italy.
- Rauh, Joshua D. (2006). "Investment and Financing Constraints: Evidence from the Funding of Corporate Pension Plans." *Journal of Finance* 61 (February): 33-71
- Lumby V. (1991). investment appraisal and related decision. *World developing*. 19:181-194.
- Gandhi V.P. (1996). investment behavior in Indian agriculture. *Indian journal of agricultural Economics*. 51:542-557
- Looney RE. (2000). Private sector investment in Pakistani agriculture *Journal of developing societies*.
- Wagle M.P. (1994). Estimates of aggregate function for demand for fertilisers and private investment in Indian agriculture. *Indian Journal of Agricultural Economics*. ۶۹-۴۹:۵۶
- Block P. J. (2006). Agricultural resources and environmental indicators. Chapter 3.4. Productivity and output growth in U.S. agriculture. *Economic Research Service/USDA*. pp. 77-78.
- <http://www.investopedia.com/terms/c/commodity.asp>
- <http://www.businessdictionary.com/definition/essential-good.html> دیکشنری
- آنلاین
- indexmundi.com

پیوست‌ها



شکل ۱- موانع اقتصادی سرمایه گذاری

طراحی سلسله مراتب و ماتریس‌های مقایسه زوجی

جدول ۱- رتبه بندی موانع کلی شناسایی شده

رتبه	عامل	درصد
۱	عوامل حمایتی دولتی و مقررات گذاری	۰/۲۲۷
۲	عوامل نهادی کلان	۰/۲۰۱
۳	عوامل پولی - مالی - ارزی	۰/۱۷۷
۴	موانع زیر بنایی	۰/۱۶۵
۵	ضعف پیوندهای زنجیره تولید ارزش	۰/۱۳۳
۶	موانع سطح بنگاه	۰/۰۹۷

ماخذ: یافته های پژوهش

جدول ۲- رتبه بندی موانع دولتی و مقررات گذاری.

رتبه	عامل	درصد
۱	بی ثباتی و ناموزون بودن سیاست‌های واردات و بازرگانی	۰/۳۲۴
۲	مشخص نبودن استراتژی حمایت از کالاهای سرمایه‌ای کشاورزی	۰/۲۷۹
۳	بی ثباتی قوانین و مقررات انرژی و حوزه نهاده ها (ریسک مقررات)	۰/۱۵۳
۴	ناکافی بودن حمایت‌های یارانه‌ای اعتباری دولتی در تامین نهاده‌ها	۰/۱۳۱
۵	فقدان مکانیسم لازم جهت تسهیل دریافت مجوزات قانونی	۰/۱۱۳

ماخذ: یافته های پژوهش

جدول ۳- رتبه بندی موانع نهادی کلان.

رتبه	عامل	درصد
۱	دلالی و ساختار نامناسب توزیع محصول	۰/۲۹۵
۲	بازدهی بالا در بازارهای رقیب	۰/۲۱۴
۳	ضعف کارآمدی نظام اداری و اجرایی	۰/۱۶۶
۴	ضعف نهاد بازار در تعیین قیمت کالاهای اساسی کشاورزی	۰/۱۳۲
۵	بالا بودن درجه ریسک‌های سیاسی و کلان	۰/۱۱۹

۲۴۴ شناسایی و رتبه بندی موانع اقتصادی سرمایه گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی

۰/۰۷۴	ضعف سیستم اطلاعات رسانی	۶
-------	-------------------------	---

ماخذ: یافته های پژوهش

جدول ۴- رتبه بندی موانع پولی-مالی-ارزی.

رتبه	عامل	درصد
۱	ضعف عملکرد نظام بانکی جهت تامین مالی	۰/۳۷۲
۲	عدم توانائی کشاورزان در ارائه تضمین های بانکی (ریسک مالی)	۰/۲۷۹
۳	بالا بودن نرخ سود بانکی	۰/۱۸۰
۴	ضعف عملکرد نهادهای بیمه گذار محصولات اساسی کشاورزی	۰/۱۶۹

ماخذ: یافته های پژوهش

جدول ۵- رتبه بندی موانع زیربنایی.

رتبه	عامل	درصد
۱	بهره وری پایین بخش کشاورزی	۰/۳۷۲
۲	پراکندگی بیش از حد در اقطاع زمین	۰/۲۶۱
۳	زیرساخت های حمل و نقل و نگهداری محصول	۰/۲۱۰
۴	ضعف در سرمایه انسانی	۰/۱۵۷

ماخذ: یافته های پژوهش

جدول ۶- رتبه بندی موانع ضعف موجود در پیوندهای زنجیره ارزش.

رتبه	عامل	درصد
۱	ضعف یا نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی	۰/۴۴۸
۲	ریسک بازار (موانع بازاریابی و دسترسی به بازار)	۰/۳۹۹
۳	در دسترس نبودن نهادهای اولیه	۰/۱۵۳

ماخذ: یافته های پژوهش

جدول شماره ۷- رتبه بندی موانع سطح بنگاه.

رتبه	عامل	درصد
۱	پایین بودن ضریب و درجه مکانیزاسیون	۰/۳۸۵
۲	ریسک قیمت نهادهها	۰/۳۲۹
۳	بالا بودن تعرفه بیمه برای کارفرما	۰/۱۵۱
۴	بالا بودن دستمزد نیروی کار و ریسک نوسان دستمزد	۰/۱۳۵

ماخذ: یافته های پژوهش

جدول شماره ۸-رتبه بندی تمامی موانع اقتصادی سرمایه‌گذاری.

رتبه	موانع اصلی	موانع فرعی	وزن
۱	حمایت دولتی و مقررات‌گذاری	بی ثباتی و ناموزون بودن سیاست‌های واردات و بازرگانی	۰/۰۷۴
۲	پولی - مالی - ارزی	ضعف عملکرد نظام بانکی جهت تامین مالی	۰/۰۶۶
۳	حمایت دولتی و مقررات‌گذاری	مشخص نبودن استراتژی حمایت از کالاهای سرمایه‌ای کشاورزی	۰/۰۶۳
۴	زیر بنایی	بهره‌وری پایین بخش کشاورزی	۰/۰۶۱
۵	ضعف پیوندهای زنجیره تولید ارزش	ضعف یا نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی	۰/۰۶۰
۶	نهادی کلان	دلالی و ساختار نامناسب توزیع محصول	۰/۰۵۹
۷	ضعف پیوندهای زنجیره تولید ارزش	ریسک بازار (موانع بازاریابی و دسترسی به بازار)	۰/۰۵۳
۸	پولی - مالی - ارزی	عدم توانایی کشاورزان در ارائه تضمین های بانکی (ریسک مالی)	۰/۰۵۰
۹	زیر بنایی	پراکندگی بیش از حد در اقطاع زمین	۰/۰۴۳
۱۰	نهادی کلان	بازدهی بالا در بازارهای رقیب	۰/۰۴۳
۱۱	سطح بنگاه	پایین بودن ضریب و درجه مکانیزاسیون	۰/۰۳۷
۱۲	حمایت دولتی و مقررات‌گذاری	بی ثباتی قوانین و مقررات انرژی و حوزه نهادها (ریسک مقررات)	۰/۰۳۵

۲۴۶ شناسایی و رتبه بندی موانع اقتصادی سرمایه گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی

۰/۰۳۵	ضعف در سرمایه انسانی	زیر بنایی	۱۳
۰/۰۳۳	ضعف کارآمدی نظام اداری و اجرایی	نهادی کلان	۱۴
۰/۰۳۲	ریسک قیمت نهاده ها	سطح بنگاه	۱۵
۰/۰۳۲	بالا بودن نرخ سود بانکی	پولی - مالی - ارزی	۱۶
۰/۰۳۰	ناکافی بودن حمایت‌های یارانه‌ای اعتباری دولتی در تامین نهاده‌ها	حمایت دولتی و مقررات گذاری	۱۷
۰/۰۳۰	ضعف عملکرد نهاده‌های بیمه گذار محصولات اساسی کشاورزی	پولی - مالی - ارزی	۱۸
۰/۰۲۷	ضعف نهاد بازار در تعیین قیمت کالاهای اساسی کشاورزی	نهادی کلان	۱۹
۰/۰۲۶	فقدان مکانیسم لازم جهت تسهیل دریافت مجوزات قانونی	حمایت دولتی و مقررات گذاری	۲۰
۰/۰۲۶	ضعف در زیر ساخت‌های حمل و نقل و نگهداری محصول	زیر بنایی	۲۱
۰/۰۲۴	بالا بودن درجه ریسک‌های سیاسی و کلان	نهادی کلان	۲۲
۰/۰۲۴	در دسترس نبودن نهاده‌های اولیه	ضعف پیوندهای زنجیره تولید ارزش	۲۳
۰/۰۱۵	بالا بودن تعرفه بیمه برای کارفرما	سطح بنگاه	۲۴
۰/۰۱۵	ضعف سیستم اطلاعات رسانی	نهادی کلان	۲۵
۰/۰۱۳	بالا بودن دستمزد نیروی کار و ریسک نوسان دستمزد	سطح بنگاه	۲۶

ماخذ: یافته های پژوهش